

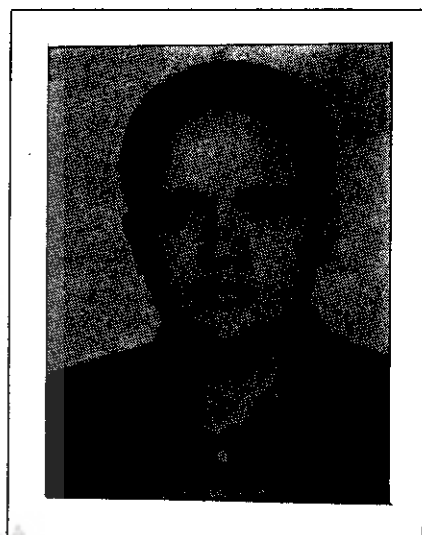
حسابداری اجاره درازمدت

مقدمه:

موضوع اجاره‌های درازمدت^۱ تاکنون در ایران کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در حالی که شناخت مفهوم و کاربردهای آن در شرایط کنونی اقتصاد ایران و تحولات پیشبینی پذیر آن بسیار ضروری است. در این مقاله کوشش شده است تاریخچه تحولات حسابداری اجاره‌های درازمدت در کشورهای غربی و انواع آن بررسی شود.

تاریخچه:

نخستین رویکرد حرفه‌ای به موضوع اجاره‌های درازمدت در سال ۱۹۴۹ با انتشار بولتن پژوهشهای حسابداری شماره ۳۸^۲ انجام گرفت. در این بولتن اجاره‌های درازمدت خرید دارایی قلمداد شده بود و پیشنهاد شده بود که مورد اجاره به عنوان دارایی و مبلغ آن به عنوان بدهی در حسابها ثبت شود.^۳ اما رهنمودهای این بولتن در عمل نادیده گرفته شد. به همین خاطر انجمن حسابداری آمریکا^۴ در سال ۱۹۶۲ با انتشار بررسیهای پژوهشی حسابداری^۵ شماره ۴ حقی را که بر داراییهای مورد اجاره ایجاد می‌شود، و باید در صورتهای مالی گزارش شود مورد توجه قرار داد. سپس هیئت تدوین اصول حسابداری^۶ در سال ۱۹۶۴ بیانیه شماره ۵ را منتشر کرد و در آن ملاکهای سرمایه‌ای شمردن و تعیین حق مترتب بر این گونه داراییها را به صورت اصولی مطرح کرد. هیئت تدوین اصول



* مهدی مرادزاده فرد

1. Leases.
2. Accounting Research Bulletin, No. 38, "Leases."
3. Leopold A. Bernstein, "Financial Statement Analysis," Irwin & Toppar, 4th Edition 1989, P. 194.
4. American Accounting Association.
5. Accounting Research Study.
6. Accounting Principles Board.

حسابداری مالی و گزارشگری می توان انواع مختلف اجاره را از دیدگاه اجاره کننده و اجاره دهنده به شکل نمودار شماره (۱) طبقه بندی کرد^{۱۷}:

اجاره سرمایه ای^{۱۸} تحصیل یک دارایی و ایجاد یک بدهی در برابر آن است. در اجاره سرمایه ای تمامی مزایای ناشی از مالکیت و مخاطرات ناشی از تملک دارایی به خریدار یا اجاره کننده منتقل می شود و نوعی از مبادلات اقتصادی اما نه به شکل معمول خرید و فروش داراییها روی می دهد. در چنین شکلی از اجاره، اجاره کننده باید یک دارایی و در مقابل آن یک بدهی را شناسایی کند^{۱۹}.

در صورت عدم انتقال مالکیت و منافع ورق بزیند

حسابداری بعدها با انتشار بیانیه دیگری^۷ در سال ۱۹۷۳ در بهبود شیوه گزارشگری اجاره های درازمدت کوشید. و پس از مدتی کمیسیون بورس و اوراق بهادار^۸ با انتشار دستورعمل شماره ۱۴۷ که تبصره ای بر بیانیه شماره ۳۱ هیئت تدوین اصول حسابداری به شمار می رفت، شیوه افشای اجزای ارزشهای فعلی اجاره های درازمدت و درآمد خالص حاصل از آنها را به دست داد. سرانجام هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی^۹ در سال ۱۹۷۶ بیانیه شماره ۱۰۱۳ خود را در مورد اجاره های درازمدت منتشر کرد و سال بعد نیز کمیسیون بورس و اوراق بهادار اعلام کرد حسابداری اجاره های درازمدت باید بر مبنای مفاد این بیانیه صورت پذیرد^{۱۱}. از تاریخ انتشار بیانیه شماره ۱۳ تاکنون هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی بیانیه های اصلاحی^{۱۲} و تفسیری^{۱۳} متعددی در این زمینه منتشر کرده^{۱۴} که تمامی آنها در چهارچوب بیانیه پیشگفته و در راستای تشریح یا اصلاح بخشهایی از آن بوده است. متن حاضر نیز با به کارگیری منابع مبتنی بر بیانیه شماره ۱۳ سعی در تشریح انواع اجاره های درازمدت دارد. ●

16. Lessee.

17. Chasteen, Flaherty & O'Connor, "Intermediate Accounting", Mc Graw Hill, 1989, P. 759.

18. Capital Lease.

19. Link & Woelfel, "The Complete Executive's Encyclopedia of Accounting", Probuse & Toppan, 1989, P. 436.

براساس این قرارداد، اجاره کننده حق استفاده یا کنترل دارایی مورد اجاره را به دست می آورد. با توجه به هدفهای

تعریف:

اجاره قراردادی است که طی آن شخصی حقیقی یا حقوقی، به عنوان اجاره دهنده^{۱۵} یا مالک حق استفاده از یک دارایی را برای دوره زمانی معین در قبال مبلغ اجاره به اجاره کننده^{۱۶} واگذار کند.

نمودار شماره (۱)

انواع اجاره های بلند مدت

توضیحات	اجاره دهنده	اجاره
حق مالکیت، مخاطرات و مزایای ناشی از مالکیت از اجاره دهنده به اجاره کننده انتقال می یابد.	اجاره شکل فروش اجاره تامین مالی اجاره اهرمی	اجاره سرمایه ای
حق مالکیت، مخاطرات و مزایای ناشی از مالکیت از اجاره دهنده به اجاره کننده انتقال نمی یابد.	اجاره عملیاتی	اجاره عملیاتی

7. APB No. 31.

8. Securities and Exchange Commission.

9. Financial Accounting Standards Board.

10. FASB No. 13, "Accounting for Leases."

11. Leopold A. Bernstein, P. 194.

12. FASB - 22, FASB - 23, FASB - 27, FASB - 28, FASB - 29, FASB - 91 & FASB - 98.

13. FASB Interpretations No. 19, 23, 24, 26, 27.

14. Martin A. Miller, "GAAP Guide", HBJ, 1990, P.P. 26.01 & 02.

15. Lessor.

و مخاطرات مربوط به آن از فروشنده به خریدار، اجاره از نوع عملیاتی^{۲۰} محسوب خواهد شد. در اجاره عملیاتی اقساط دوره‌ای اجاره در طی مدت استفاده از داراییها پرداخت می‌شود و هزینه یا درآمد اجاره در صورت سود و زیان توسط اجاره‌کننده یا اجاره دهنده حسب مورد شناسایی می‌گردد و هیچ دارایی جدید یا بدهی نیز به وسیله ایشان در حسابها ثبت نخواهد شد.

طبقه‌بندی اجاره از نظر اجاره‌کننده:

بر اساس مفاد بیانیه شماره ۱۳، اجاره‌کننده در صورت وجود هر یک از شرطهای زیر، اجاره را از نوع سرمایه‌ای تلقی خواهد کرد:

الف - در پایان مدت قرارداد اجاره، مالکیت دارایی موضوع اجاره به اجاره

کننده منتقل شود.

ب - در قرارداد اجاره حق خرید دارایی موضوع اجاره در پایان زمان قرارداد به اجاره‌کننده داده شده باشد.

پ - مدت قرارداد اجاره ۷۵ درصد عمر مفید دارایی موضوع اجاره یا بیشتر را در برگیرد.

ت - ارزش فعلی اجاره‌های پرداختی و سایر پرداختهای مربوط به اجاره حداقل معادل ۹۰ درصد ارزش بازار دارایی مورد اجاره منهای مقدار صرفه‌جوییهای مالیاتی توسط اجاره‌دهنده باشد.

در صورت نبود هیچ یک از شرطهای پیشگفته، از نظر اجاره‌کننده اجاره از نوع عملیاتی محسوب شود.

ملاک شناسایی اجاره سرمایه‌ای یا عملیاتی برای اجاره‌کننده را می‌توان به شکل ارائه شده در تصویر شماره دو نیز ارائه کرد^{۲۱}.

21. Kicso & Weygant, "Intermediate Accounting", John Wiley & Sons, 1977, P. 1039.

20. Operating Lease.

طبقه‌بندی اجاره از نظر اجاره‌دهنده:

برای اینکه اجاره دهنده اجاره‌ای را سرمایه‌ای تلقی کند، موضوع اجاره علاوه بر دارا بودن حداقل یکی از شرطهای چهارگانه پیشگفته باید دارای دو شرط دیگر نیز به شرح زیر باشد:

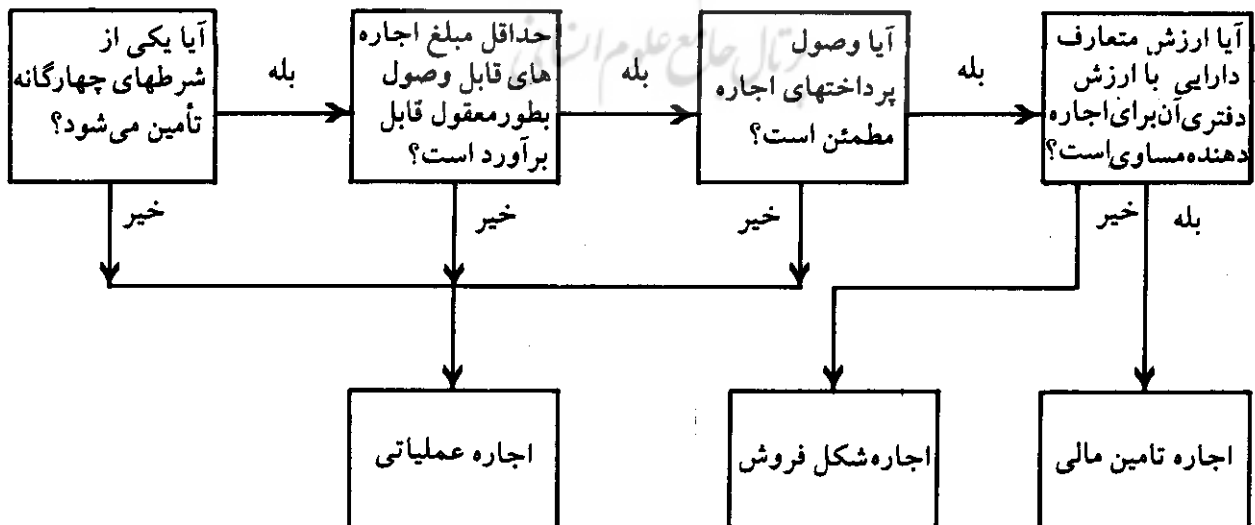
الف - حداقل مبلغ اجاره‌های قابل وصول به طور معقولی برآوردپذیر باشد.

ب - اجاره دهنده در مورد قابلیت دریافت مبالغ اجاره ابهام عمده‌ای نداشته باشد.

در صورت نبود هر یک از شرطهای بالا، اجاره برای اجاره‌دهنده عملیاتی محسوب خواهد شد.

طبق مفاد بیانیه شماره ۱۳، برای اجاره‌دهنده اجاره سرمایه‌ای طبق شرایطی خاص به انواع مختلف تقسیم می‌شود در حالی که این امر برای اجاره‌کننده صادق

نمودار شماره (۲)



نمودارهای زیر تفاوت بین اجاره شکل فروش و اجاره تامین مالی را که ناشی از سود یا زیان ناخالص اجاره‌دهنده است نشان می‌دهد:^{۲۶}

اجاره اهرمی:

اجاره اهرمی اجاره‌ای سه جانبه و در هر گیرنده سه طرف اجاره‌کننده، اجاره‌دهنده و اعتبار دهنده درازمدت^{۲۸} است که معمولاً بانک یا مؤسسه مالی است. در این نوع اجاره، طرف اعتبار ورق بزیند

26. Kieso & Weygant, P. 1061.

۲۷. سرمایه‌گذاری ناخالص در اجاره عبارت از مجموع حداقل پرداختهای اجاره است که در بردارنده ارزش اسقاط تضمین شده نیز بوده و هزینه‌های اولیه و اجرائی و ارزش اسقاط تضمین نشده در آن به حساب گرفته نشده است.

28. Long - Term Creditor.

شناسایی سود یا زیان توسط اجاره‌دهنده در زمان شروع اجاره است. به همین جهت اجاره شکل فروش با دیگر انواع اجاره تفاوت‌های عمده‌ای دارد.

اجاره تامین مالی:

اجاره‌ای که تمامی شرطهای اجاره شکل فروش را تأمین کند اما متضمن شناسایی سود یا زیان در زمان شروع اجاره نباشد از نظر اجاره دهنده، اجاره تأمین مالی محسوب می‌شود. این شکل از اجاره هنگامی محقق می‌شود که ارزش دفتری دارایی و ارزش بازار آن در زمان شروع اجاره برای اجاره‌دهنده تقریباً مساوی باشد و در نتیجه در این زمان سود یا زیانی به وسیله اجاره‌دهنده شناسایی نمی‌شود.^{۲۵}

25. Mosich, "Intermediate Accounting", McGraw Hill, 1989, P.P. 1003 & 1004.

نیست و در صورت دارا بودن حتی یکی از شرطهای چهارگانه پیشگفته اجاره به هر شکل فقط سرمایه‌ای تلقی و طبقه‌بندی می‌شود.

اجاره سرمایه‌ای را جهت مقاصد حسابداری از دیدگاه اجاره‌کننده، می‌توان به سه گروه اجاره شکل فروش^{۲۲}، اجاره تأمین مالی^{۲۳} و اجاره اهرمی^{۲۴} تقسیم کرد.

اجاره شکل فروش:

اجاره شکل فروش وقتی تحقق می‌یابد که سازنده یا فروشنده دارایی از اجاره به عنوان وسیله‌ای برای فروش محصول (دارایی) استفاده کند و این امر مستلزم

22. Sales Type Lease.

23. Direct Financing Lease.

24. Leveraged Lease.



دهنده (به صورت قراردادی فسخ‌ناپذیر) اجاره‌دهنده را تأمین مالی می‌کند و برای طرفین اجاره توانایی انجام معامله اجاره را فراهم می‌سازد. مثلاً یک پیمانکار توافق می‌کند که ساختمانی را بسازد و سپس آن را به شرکتی اجاره دهد. جهت تأمین مالی این امر یک بانک نیز پول لازم را به پیمانکار (سازنده و اجاره‌دهنده) وام می‌دهد. پیمانکار از مبلغ وام جهت ساخت ساختمان استفاده می‌کند و بازده سرمایه‌گذاری خود را از اجاره‌های دریافتی، صرفه‌جویی مالیاتی و منافع مالیاتی دیگر نظیر منافع حاصل از استهلاك دارایی اجاره داده شده، منهای هزینه بهره وام دریافت شده و سایر هزینه‌های مربوطه به دست می‌آورد.

اجاره‌دهنده باید اجاره اهرمی را به عنوان یک اجاره تأمین مالی تلقی کند.^{۲۹} اجاره اهرمی نظر به وجود پیچیدگیهای

خاص خود از جمله بخشهای بحث‌انگیز حسابداری اجاره‌های درازمدت است.^{۳۰} اجاره‌ای که شکل فروش و تأمین مالی یا اهرمی نباشد از نظر اجاره‌دهنده عملیاتی محسوب می‌گردد. چگونگی طبقه‌بندی انواع اجاره از دیدگاه اجاره‌دهنده را به صورت نمودار شماره (۳) می‌توان نشان داد:^{۳۱}

فروش و اجاره مجدد^{۳۲}:

نوع دیگری از روشهای اجاره تحت عنوان فروش و اجاره مجدد به عنوان یکی از روشهای متداول تأمین مالی از سالهای

۳۰. علاقمندان در این زمینه می‌توانند به منبع زیر رجوع کنند:
Welsh & Zlatkovich, "Intermediate Accounting," Irwin, 1989.

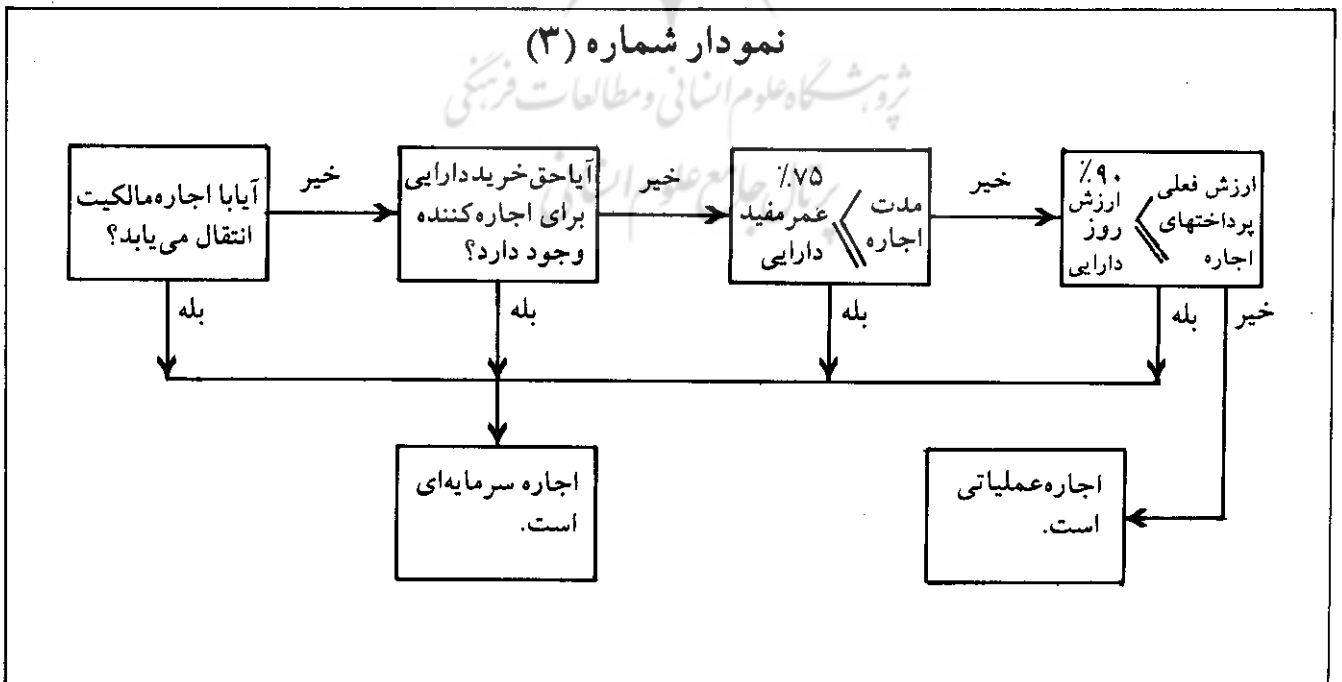
31. Kieso & Weygant, P. 1049.

32. Sale & Lease Back.

29. Link & Woelfel, P. 437.

بعد از جنگ جهانی دوم رواج یافته است. فروش و اجاره مجدد بدین صورت است که صاحب یک دارایی آن را بفروش می‌رساند و بلافاصله همان دارایی را از خریدار اجاره می‌کند. این روش اغلب هنگامی که چگونگی تأمین مالی مسئله ساز باشد به کار گرفته می‌شود. به عبارتی دیگر می‌توان فروش و اجاره مجدد را به عنوان معامله‌ای شبیه اخذ یک وام با وثیقه دانست. در صورتی که فروش و اجاره مجدد یکی از چهار شرط مربوط به اجاره سرمایه‌ای را دارا باشد، اجاره‌کننده (فروشنده) باید اجاره را از نوع سرمایه‌ای تلقی کرده و شناسایی سود یا زیان ناشی از فروش دارایی اجاره شده را به تعویق اندازد و همراه با استهلاك دارایی اجاره شده آن را مورد شناسایی قرار دهد و مستهلك نماید. در صورتی که فروش و اجاره مجدد هیچ یک از چهار شرط لازم را نداشته باشد، اجاره‌کننده (فروشنده) باید بقیه در صفحه ۴۵

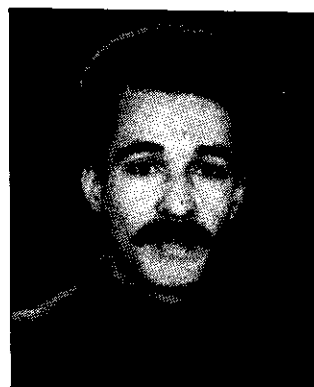
نمودار شماره (۳)



بودجه چند بعدی زمینه ساز رشد و سودآوری افزونتر^۱

* نوشته: جفری ا. اشمیت^۲

* ترجمه: عبدالرضا تالانه



نفر وقت خود را صرف بعضی از جنبه‌های بودجه‌بندی کرده‌اند؛ اگر هزینه هر نفر در سال را به‌طور متوسط ۱۰۵۰۰۰ دلار بگیریم، هزینه پرسنلی بودجه‌بندی این شرکت در سال بالغ بر ۱۷ میلیون دلار می‌شود که تازه، هزینه‌های جانبی بودجه مثل هزینه کامپیوتر، هزینه نگهداری نرم‌افزار و مزایای پرسنل درگیر در بودجه را شامل نمی‌شود. در واقع اگر این هزینه‌ها را هم در نظر بگیریم، هزینه کل بودجه‌بندی این شرکت در سال از ۲۰ میلیون دلار تجاوز خواهد کرد.

با چنین هزینه هنگفتی، بودجه‌بندی باید پیشبینی دقیقی از هزینه‌ها را فراهم آورد و پشتوانه مؤثری برای تصمیمگیری و کنترل ایجاد کند. در حقیقت در بیشتر موارد بودجه از فراهم آوردن چنین اقلامی ناتوان است.

در بسیاری از شرکتها بودجه‌بندی سنتی نمی‌تواند از افزایش هزینه‌ها جلوگیری کند.

در این مقاله، تکنیکی برای رسیدن به نحوه تخصیص و کنترل مؤثر منابع از طریق پیشنهاد بدیلی برای بودجه‌بندی سنتی^۳ ارائه شده است. این تکنیک که ارقام بودجه سنتی را به قالبهای مناسب برای تصمیمگیری بدل می‌کند، بودجه چند بُعدی^۴ نامیده می‌شود. عملی که طی آن

ورق بزنید

3. Conventional Budgeting

4. Multidimensional Budgeting (MDB)

استراتژیک شده بود. کارکنان شرکت در عوض پرداختن به فعالیتهای اصلی درگیر امور بودجه می‌شدند. مدیریت شرکت دریافته بود که این بودجه قادر نیست هزینه‌های بودجه شده را با طرحهای استراتژیک مرتبط سازد.

۳- تهیه کنندگان بودجه به روش یاد شده با تکیه بر هزینه‌های مندرج در بودجه سال قبل، فقط به افزایش هزینه‌ها توجه می‌کردند.

۴- ساختار این‌گونه بودجه، تغییر در سازمان شرکت و فرایندها را نشان نمی‌داد. و بودجه بسیاری از هزینه‌ها که کنترل آنها برعهده اشخاص معینی بود به وسیله دیگران تعیین می‌شد.

۵- ارقام بودجه درخور اتکا نبود.

تحقیق انجام شده توسط شرکت مشاوره‌ای ما نیز تجربه این شرکت را تأیید می‌کند. بررسیهایی که دربارهٔ ۱۰ شرکت در صنعت انرژی، حمل و نقل و بانکداری انجام شد نشان داد که به‌طور متوسط معادل ۵٪ از پرسنل ستادی، تمام وقت خود را به فعالیتهای بودجه‌بندی اختصاص داده‌اند.

هزینه واقعی بودجه‌بندی

برای درک بهتر هزینه واقعی تهیه بودجه به این مورد توجه کنید: در یکی از این ۱۰ شرکت که حدود ۳۰۰۰ نفر پرسنل ستادی دارد، ۱۶۰

یکی از شرکتهای بزرگی که سالها موفق به جلوگیری از رشد مداوم هزینه‌های عملیاتی خود شده بود، تصمیم گرفت که کارایی روش بودجه‌بندی خود را بررسی کند. یافته‌های این بررسی شرکت را متعجب ساخت زیرا:

۱- فرایند بودجه‌بندی بهترین اوقات سال را تلف کرده و علاوه بر این چند صد تن از پرسنل صف و ستاد شرکت را به خود مشغول کرده بود.

۲- بودجه‌بندی باعث ضعف تصمیمهای

۱. به نقل از:

Journal of Accountancy, October, 1992, PP. 103-107

2. Jeffrey A. Schmidt

ارقام بودجه سنتی به چهار بودجه جداگانه اما مرتبط با یکدیگر تغییر می‌یابد، «تبدیل»^۵ نامیده می‌شود. این چهار بودجه عبارتند از: بودجه فعالیت^۶، بودجه محصول^۷ بودجه مشتری^۸ و بودجه استراتژی^۹.

بودجه چند بعدی چشم‌انداز مناسبی را در استفاده بهتر از منابع فراهم می‌کند و مدیریت شرکت را قادر می‌سازد که منابع را با سیاستهای شرکت و نیازهای مشتریان هماهنگ سازد. بودجه چند بعدی شرکت را در مسیر سودآوری بیشتر و وضعیت رقابتی بهتری قرار می‌دهد.

بودجه چند بعدی قادر است با مجموعه جدید و قدرتمندی از ابزارهای پشتیبانی تصمیم و تخصیص منابع، بودجه سنتی را تکامل بخشد. بودجه چند بعدی بر رابطه بین هزینه و ایجاد ارزش تاکید دارد نه بر چگونگی مصرف وجوه بودجه شده.

راهنمای بودجه چند بعدی در شکل شماره یک آورده شده است. همچنانکه خواهید دید پس از تهیه بودجه جدید، مدیریت می‌تواند تسهیلات منابع را با برگرداندن بودجه استراتژی به بودجه سنتی ارزیابی کند. مدیریت می‌تواند تخصیص صحیح منابع را در هر سطح از بودجه بر طبق اولویتهای بررسی کند و در صورت لزوم بودجه را آنقدر اصلاح کند تا وضعیت بهینه ایجاد شود.

اولین تبدیل: بودجه فعالیت

در اولین مرحله ارقام مندرج در بودجه سنتی به بودجه فعالیت تبدیل می‌شود. بودجه

5. Transformation
6. Activity Budget
7. Product Budget
8. Customer Budget
9. Strategy Budget

فعالیت نشان می‌دهد که شرکت چه نوع و چه مقدار از منابع را روی چه فعالیتهایی صرف کرده است. با تبدیل فهرست اقلام بودجه سنتی به فهرستی از فعالیتهای (از قبیل پاسخگویی به شکایات مشتریان، درخواست قطعات جدید و غیره) بودجه فعالیت تهیه می‌شود.

اگر از ابتدا هزینه‌ها به دو گروه هزینه‌های پرسنلی و سایر هزینه‌ها تفکیک شود، عمل تبدیل ساده‌تر انجام خواهد شد. هزینه‌های پرسنلی باید همان‌گونه که پرسنل واقعاً وقت خود را می‌گذرانند به فعالیتهای سرشکن شود.

مشخص کردن فعالیتهایی که پرسنل انجام می‌دهند نیازمند بررسی است. اگرچه این عمل یک مرحله به فرایند بودجه بندی اضافه می‌کند، اما انجام آن می‌تواند روشنگر باشد. بیشتر شرکتها وقتی متوجه می‌شوند که پرسنل غیر ستادی شرکت چگونه درگیر انجام فعالیتهای ستادی مثل بودجه بندی و گزارشگری مالی شده‌اند، شگفتزده می‌شوند. دوسوم هزینه‌های این فعالیتهای در خارج از قسمتهای انجام‌دهنده این اعمال به وجود می‌آید. برای کاهش دادن

مؤثر این هزینه‌ها شرکت باید فعالیتهای سربار و تعداد پرسنل قسمت را کاهش دهد. تحقیق در مورد فعالیت پرسنل و بودجه فعالیت این مسئله را مستقیماً نشان می‌دهد.

هزینه‌های غیر پرسنلی مثل هزینه‌های کامپیوتر، پس از تجزیه و تحلیل عوامل هزینه‌ساز مربوط باید به فعالیتهای سرشکن شود.^{۱۰} اگر هریک از کاربردهای کامپیوتر به طور مستقیم با فعالیت خاصی درگیر باشد در این صورت می‌توان هزینه‌های کامپیوتری را بر مبنای مقدار وقتی که هر عمل صرف می‌کند، تسهیم کرد. به طریق دیگر، این هزینه‌ها را می‌توان بر مبنای تعداد صفحات گزارشی که برای پشتیبانی هر فعالیت تولید می‌شود، تسهیم کرد. یا همان‌طور که در زیر نشان داده شده می‌توان هزینه‌ها را به طریقی که پرسنل وقت خود را صرف می‌کنند تسهیم کرد:

۱۰. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به:

«Improving Performance with Cost Drivers», by Frank Collins and Michael L. Werner, Jofa, June 90, Page 131.

تعداد پرسنلی که برای پردازش حسابهای پرداختی از کامپیوتر استفاده می‌کنند ۲۳ نفر

تقسیم بر ÷

۶۳۴ نفر

تعداد کل پرسنلی که از کامپیوتر استفاده می‌کنند

۳/۶٪

درصد پرسنلی که حسابهای پرداختی را پردازش می‌کنند

×

ضرب در

۱۰۰۰۰۰۰ ریال

هزینه کل کامپیوتر

۳۶۰۰۰ ریال

سهم حسابهای پرداختی از هزینه کل کامپیوتر

پس از تهیه بودجه فعالیت، مدیریت خواهد توانست هر آنچه را شرکت انجام می‌دهد عمیقاً بررسی کند. اکنون می‌توان پرسشهایی مانند موارد زیر را پاسخ داد:

۱- چگونه فعالیتها و طرز عمل هر واحد با وظایف آن واحد مطابقت دارد؟

۲- آیا می‌توان منابع تخصیص یافته به اعمال و فعالیتهای کم‌ارزش را حذف کرد؟

۳- آیا شرکت می‌تواند با تغییر دادن بعضی فعالیتها و اعمال هزینه‌ها را کاهش دهد؟

۴- آیا می‌توان بعضی از فعالیتها را به صورت کارآمدتری در خارج از شرکت انجام داد؟

همچنین بینش حاصل از بودجه فعالیت می‌تواند میزان دقت برآوردهای هزینه و بودجه‌های آینده بویژه برای برنامه‌ها و طرحهای جدید را بهبود بخشد.

دومین تبدیل: بودجه محصول

مرحله دوم، تهیه بودجه محصول است. این بودجه بر این اصل استوار است که انجام هر فعالیت مقداری ارزش به محصول اضافه می‌کند. فعالیتهای متعددی ممکن است با یک محصول مرتبط باشند.

روابط بین فعالیتها و محصولات شبکه ارتباطات را (که الگوریتم نامیده می‌شود) مشخص می‌سازد که از آن در تهیه بودجه محصول استفاده می‌شود. اما قبل از تهیه بودجه محصول، شخصی که بودجه محصول را تهیه می‌کند باید با شبکه‌های مشتری - فروشنده آشنا شود.

اعمالی که شرکت انجام می‌دهد (مثل توسعه محصول، ساخت و قبول سفارش) برحسب محصول توزیع شده یا خدمت ارائه شده به

11. Supplier - Customer Networks.

مشتری بطور مستقیم یا غیرمستقیم تولید ارزش می‌کند. برای مثال آموزش تخصصی از مواردی است که به طور غیرمستقیم ارزش تولید می‌کند. امور خدماتی (مثل برنامه‌ریزی و اداره امور پرسنلی) به محصول چیزی اضافه نمی‌کند لیکن شرکت آن را متحمل می‌شود.

در نهایت بودجه فعالیت باید با محصولات ربط داده شود. شبکه‌سازی این ارتباطها نیازمند هوش و استعداد است، زیرا که تطبیق دادن فعالیتها با محصولات همیشه آسان نیست. مگر آن که در تهیه بودجه فعالیت بتوان ارتباط منطقی بعضی از هزینه‌های غیرپرسنلی را با محصولات شناخت که این کار مستلزم شناخت محصولات و خدمات است. برای مثال در یک محیط تولیدی، هزینه‌های غیرمستقیم خدماتی محصول مثل هزینه مهندسی ممکن است متناسب با محصول، گروه محصول و یا متناسب با خط تولید و نه با فعالیت تغییر کند. بنابراین ممکن است که هزینه‌های مهندسی به اتکای عوامل هزینه‌ساز تسهیم شود.

با انجام این اقدامات، بودجه محصول فراهم می‌شود و اکنون هر واحد بودجه‌ای می‌تواند بودجه خود را برحسب اقلامی که بودجه کل اولیه را تشکیل می‌دهد یا برحسب فعالیت و محصول بررسی کند. با داشتن بودجه محصول به سئوالهای زیر می‌توان پاسخ داد:

۱- آیا تسهیم منابع به اعمال خدماتی و تجاری صحیح است؟

۲- آیا تولید یا مونتاژ بعضی از محصولات (یا قطعات آن) باید در خارج شرکت انجام شود؟

۳- هزینه‌های پشتیبانی مشتری در مقایسه با هزینه رقیبان چگونه است؟

سومین تبدیل: بودجه مشتری

در سومین مرحله بودجه‌ای تهیه می‌شود که جمع کل بودجه پیشنهادی برای هر مشتری یا

گروه مشتری را برحسب دواير بودجه‌کننده نشان می‌دهد. در این مرحله محصولات با مشتریان داخلی یا خارجی مقابله می‌شود. در بعضی موارد ممکن است بخشی از یک محصول به مشتری یا گروه مشتریان خاصی تخصیص داده شود.

هرگونه هزینه‌های غیرپرسنلی باقیمانده نیز باید به مشتری یا گروه مشتریان خاصی سرشکن شود. مثلاً بخشی از هزینه‌های بازاریابی و تبلیغات باید در این مرحله تخصیص یابد.

بینش حاصل از این مرحله به مدیریت اطمینان می‌دهد که منابع با در نظر گرفتن اولویت مشتریان به شکل درست تخصیص یافته است. اولویت مشتریان از طریق بررسی ارزش هر مشتری مشخص می‌شود. لذا هرگونه اختلاف بین خواسته‌های مشتریان و عملکرد فعلی باید اصلاح شود. بودجه مشتری برای پاسخگویی سئوالات زیر است:

۱- مشارکت مالی مشتریان مهم یا بخشهای شرکت چقدر است؟

۲- آیا بازده حاصل از بودجه تخصیص یافته به هر مشتری یا گروه مشتری توجیه‌شدنی است؟

۳- چه عملی می‌تواند هزینه انجام معامله با مشتریان را کاهش دهد به طوری که ارزش تولید شده ثابت بماند و یا زیادتر شود؟

۴- آیا حفظ مشتری در مقایسه با جذب مشتری بهتر است؟

چهارمین تبدیل: بودجه استراتژی

در مرحله چهارم اطلاعات بودجه مجدداً برحسب استراتژیهای اصلی شرکت مرتب می‌شود. این عمل با تحلیل استراتژیهای مرتبط با هر قسمت از شرکت و ارتباط آن با مشتریان یا گروه مشتریان انجام می‌شود. اگر شرکت برای مشتریان خود استراتژیهای مشخصی نداشته باشد، انجام چند مرحله اضافی ضروری خواهد ورق بزنید

بود. برای مثال ممکن است ابتدا استراتژیهای بازار را در ارتباط با کانالهای توزیع مقابله کرد و سپس استراتژیها را از این کانالها به مشتریان ارتباط داد. به شکل ۲ نگاه کنید.

اگر یک استراتژی در مورد بیش از یک مشتری یا گروه مشتری به کار رود، باید شرحی به هریک ضمیمه شود. در صورتی که بعضی از هزینه‌های بودجه کل هنوز تسهیم نشده باشد در

این مرحله باید به استراتژیهای مربوط تخصیص داده شود.

بودجه استراتژی براین اساس تعیین می‌شود که آیا مخارج بودجه شده با استراتژیهای پشتیبانی و تجاری و سایر استراتژیهای شرکت همراستاست یا خیر؟ لذا بودجه‌هایی را که با اولویتهای استراتژیک غلط تطبیق داده شده است می‌توان اصلاح کرد. واضح است که انجام

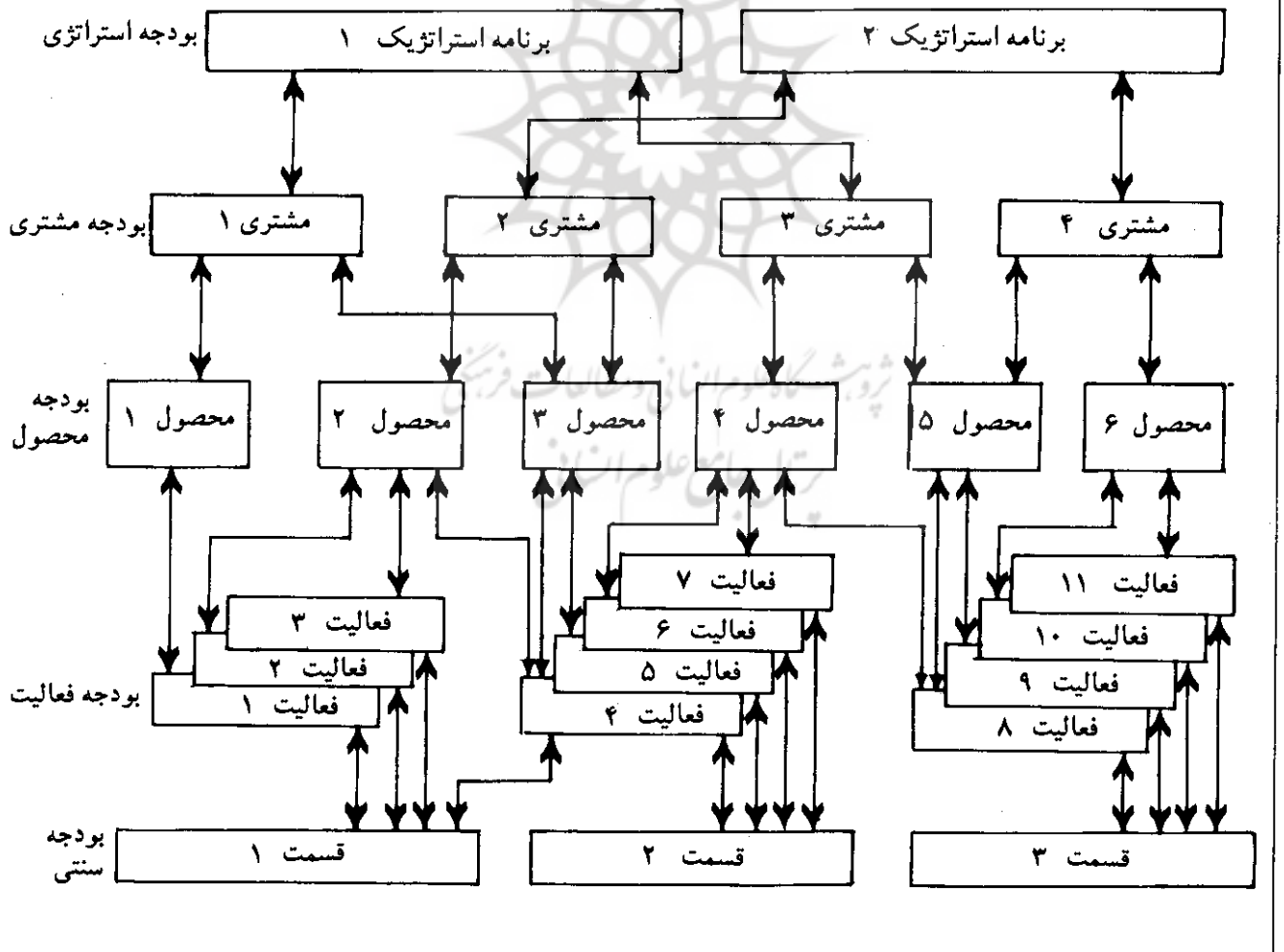
هرگونه تعدیل در بودجه استراتژی مستلزم تعدیل بودجه‌های قبلی است. شکل ۱ را مجدداً نگاه کنید. در این شکل فلشها دوطرفه‌اند.

چشم‌انداز آینده

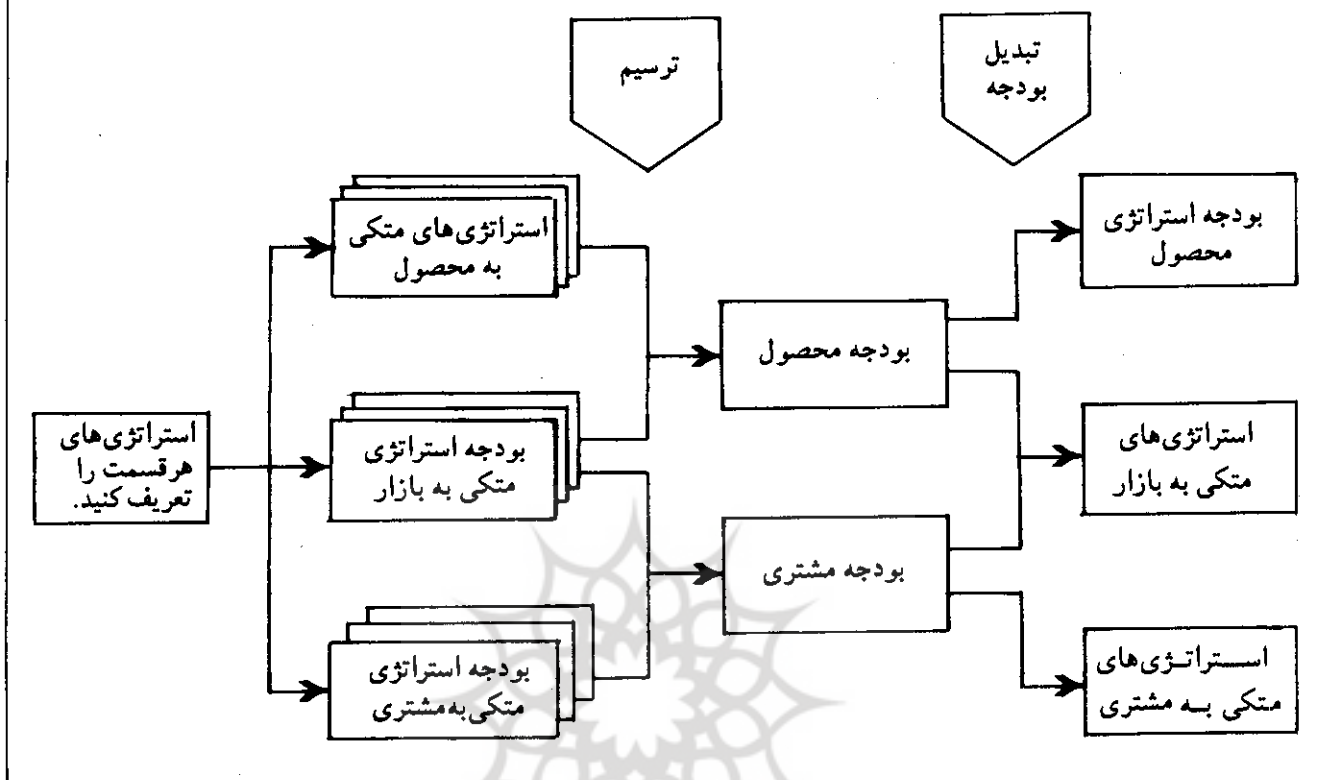
مهمترین مزیت بودجه چند بعدی این است که راه بهتری برای هدایت و کنترل منابع یک

شکل یک

راهنمای بودجه چند بعدی



شکل دو



بزرگ در عمل وجود ندارد.

به هر حال پس از استقرار بودجه چند بعدی، در مقایسه با بودجه سنتی نه زمان بیشتری مورد نیاز خواهد بود و نه تغییرات زیادی در روشهای کنترلی و حسابداری ضرورت پیدا خواهد کرد.

امروزه سیستم بودجه چند بعدی را با هزینه نسبتاً کمی می توان در خارج از سیستم کامپیوتری شرکت نگهداری کرد. برای جلوگیری از به خطر افتادن دفتر کل مورد استفاده برای حسابداری و بودجه بندی، بودجه چند بعدی را می توان به صورت جداگانه مستقر ساخت. این عمل از طریق انتقال فایل بودجه یا دفتر کل از کامپیوتر مرکزی به کامپیوتر دیگری انجام پذیر است، یا اینکه می توان یک بخش جداگانه در سیستم کامپیوتر مرکزی ایجاد کرد. در این راستا، تکنولوژی امروزی بانک اطلاعاتی قادر است

ابزارهای کمکی لازم را فراهم کند. ●

بودجه های چند بعدی مکملی برای سیستمهای اطلاعاتی کامپیوتری در عمل هستند. توان و کارایی این سیستمهای کامپیوتری اطلاعاتی در این است که وقتی سیستم شامل اطلاعات بودجه چندوجهی باشد مدیران می توانند اطلاعات را از چندین زاویه مختلف تحلیل کنند و سئوالاتی را که تاکنون پرسیده نشده مطرح کنند.

در حالی که شرکتها سیستمهای هزینه یابی براساس فعالیت^{۱۲} را جایگزین سیستمهای سنتی می کنند، این احتمال وجود دارد که بودجه چندبعدی نیز توسط تعدادی از شرکتها (که رو به افزایش هستند) به کار گرفته شود. امروزه تکنولوژی شبکه سازی و بانک اطلاعاتی^{۱۳} برای تهیه بودجه چند بعدی در دسترس است، اما هنوز سیستمهای متکی به بودجه های چند بعدی

12. Activity Based Costing (ABC)

13. Data Base.

شرکت فراهم می کند. این بودجه به رشد سالتر و سود عملیاتی مناسبتری منجر می شود زیرا:

۱- بودجه چند بعدی ارتباط روشن و صریحی را بین ارقام بودجه و استراتژیهای شرکت برقرار می کند.

۲- این بودجه مقایسه تفضیلی اطلاعات هزینه را در سرتاسر سازمان امکانپذیر می سازد.

۳- چارچوب قدرتمندی برای ارزیابی ارزش مشتری فراهم می کند.

۴- کمک می کند تا شرکت هزینه عملیات سازمان را درک کند.

۵- اطلاعات مشروحی در قالبهایی که براحتی مدیران را به تحلیل مقایسه ای می رساند و با منطق تصمیم مدیران بیشتر مرتبط است، فراهم می کند و شرایطی را برای بهبود دائمی عملکرد شرکت آماده می سازد.

۶- در برابر تغییرات استراتژی سازمانی و ساختار شرکت انعطاف پذیر است.

* مصطفی علی مدد

یک استاد ایرانی در میان بزرگان حسابداری جهان

چندی پیش کتابی تحت عنوان «رویکردی تحلیلی در مطالعه اصول و مفاهیم حسابداری» در مجموعه مطالعات دانشگاهی اروپایی از طرف انتشارات پیترو لانگ در کشور سوئیس به زبان انگلیسی منتشر شد.^۱

مؤلف این کتاب خانم دکتر «روزلین دنت دالموآنو»^۲ اصول و مفاهیم حسابداری را برپایه نظرات متفکران و صاحب نظران حسابداری در بیش از ۱۳۰ کتاب و مقاله مورد تحلیل قرار داده و با معرفی دقیق منابع مورد استفاده در جای جای کتاب، این امکان را فراهم آورده است که خواننده پژوهشگر بتواند با مراجعه به منابع اصلی، به طور مستقیم به آراء و عقاید اندیشمندان حسابداری در موضوع مورد بحث دست بیابد.

در میان متفکران و صاحب نظران بزرگ حسابداری که در این کتاب به آراء و نظرات آنها رجوع شده است آقای دکتر عزیز نبوی رئیس سابق مؤسسه عالی حسابداری و استاد کنونی حسابداری دانشگاه اروپایی سوئیس جایگاه ویژه ای دارد؛ و در چندین و چند جای کتاب نظرات ایشان به نقل از تحقیقات و مقالات منتشر شده از مشارالیه به زبان انگلیسی، مورد استناد قرار گرفته است. مدخل یکی از فصول نیز عبارتی از نوشته های دکتر عزیز نبوی است که ترجمه آن در زیر نقل می شود:

«صورت های مالی با فراهم کردن امکان ارزیابی کارآیی گذشته سازمان و کارکنان آن، و تسهیل تهیه برنامه ای اندیشیده و کارساز، به سان مشعلی است که راه مدیران و هدایت کنندگان امور اقتصادی و اجتماعی را روشن می کند.»^۳

دوست عزیزم آقای کامبیز فرقان دوست حقیقی این کتاب را با دقت بسیار مطالعه کرده و دو اصل آگاهی بخشی و حسابرسی را از آن استخراج و ترجمه کرده است که در ادامه از نظرتان می گذرد. ●

1. An Analytical Approach to the Study of Accounting Principles and Concepts, European University Studies, Peter Lang Publisher, Berne, 1993.
2. Roseline Dent d'Almuano
3. Ibid P.135

تألیف: روزلین دنت دالموانو
ترجمه: کامبیز فرقان دوست حقیقی

نظری به دو اصل پیشنهادی تازه در حسابداری

نقل و ترجمه از کتاب: «رویکردی تحلیلی در مطالعه
اصول و مفاهیم حسابداری»

اصل آگاهی بخشی حسابداری Informative Accounting Principle

در هر سازمان، سیستم حسابداری به خودی خود هدف تلقی نمی‌شود، بلکه وسیله‌ای است برای تأمین اطلاعات مالی قابل اعتماد و واقعی درباره آن سازمان. در هر نگاه - اعم از خصوصی یا دولتی - سیستم حسابداری در کلیت خود و محصول آن، باید آگاهی بخش باشد. این سیستم باید اطلاعات کافی و صحیح مورد نیاز کلیه استفاده‌کنندگان داخل سازمان (که مهمترین آنها مدیریت است) و خارج از سازمان (مانند سرمایه‌گذاران، بانکها، مراجع دولتی و غیره) را تأمین کند.

در هیچ شرایطی و به هیچ دلیلی، نباید صورتهای مالی همراه‌کننده باشد و نباید هیچ یک از واقعیات مربوط به وضعیت مالی و نتایج حاصل از عملیات یک سازمان در آنها مکتوم بماند.

متأسفانه، این اصل مهم حسابداری در بسیاری از متون مربوط از طرف اغلب نویسندگان نادیده گرفته شده است. و فقط تا حدودی، بطور تلویحی در برخی از کتابهای حسابداری مدیریت و تعدادی از کتابهای مربوط به تجزیه و تحلیل صورتهای مالی، مورد بحث قرار گرفته است.

در آثار پیشگامان حسابداری مدیریت، در دو کار تحقیقاتی، به گونه‌ای اساسی به لزوم آگاهی‌بخش بودن

حسابداری و نقش اطلاعات حسابداری در تصمیمگیری سازمانی پرداخته شده است. این دو تحقیق عبارتند از:
(۱) تحقیقی درباره تمرکز و عدم تمرکز سازمانی در سازماندهی مدیریت مالی که در سالهای ۱۹۰۴ - ۱۹۰۲ توسط هربرت سایمون در انستیتو تکنولوژی کارنگی در ماساچوست انجام شده است.

(۲) تحقیقی درباره گزارشگری مالی به عنوان ابزار ارتباطی در تصمیمگیریهای سازمانی که در سالهای ۱۹۵۸ - ۱۹۶۱ توسط پرفسور عزیز نبوی در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی انجام گرفته است.

رابرت اچ مونتگمری در سال ۱۹۳۷ نوشته است:
این وظیفه او (حسابدار) است که پس از جنگیدن با ارقام و استخراج واقعیتهای آنها را به یکدیگر ارتباط دهد و واقعیات مربوط به آنها را با روشنی، دقت و هوشیارانه ارائه کند، به گونه‌ای که برای اداره‌کنندگان قابل استفاده باشد... من کسانی را در حرفه می‌خواهم که با فکری ساده و علاقه‌ای ثابت، جستجوگر و ارائه‌کننده واقعیات باشند. حرفه ما همواره دیدگاهی مبتنی بر استخراج و ارائه واقعیات داشته است و ما باید به این دیدگاه متکی باشیم تا دست یافتن به واقعیات کوششهای خود را ادامه دهیم. پرفسور لیتل تاون عبارت زیر را به مطلب پیشگفته می‌افزاید: «وجود جنبه‌هایی از واقعیات در حسابداری، به آن نوعی دیدگاه معنوی می‌دهد.» سپس اضافه می‌نماید: «استخراج و انعکاس واقعیات از مهمترین وظایف ورق بزنید

حسابداری است؛ و از وظایف اولیه حسابدار این است که اطمینان یابد اهمیت لازم به واقعیتها داده شده است».

لیتل تاون معتقد است که حسابداری رابطه‌ی است بین اطلاعات خام مربوط به فعالیتها و نیاز به ادراک آن فعالیتها. وی این موضوع را بدین ترتیب توضیح می‌دهد:

«در حسابداری، برخی جنبه‌های واقعیت‌های اقتصادی با بعضی از مراحل ارائه واقعیت از دیدگاه آماری با مهارت درهم آمیخته شده است. ویژگیهای این ترکیب چنین است که اطلاعات حسابداری را برای کلیه کسانی که به فعالیت واحد اقتصادی علاقه‌مند هستند، به نحو بارزی قابل بهره‌برداری می‌سازد.» واحدهای اقتصادی، سازمانهای بسیار پیچیده‌ای مرکب از انسانها هستند که در مقطعی با متعددی با اقتصاد سروکار دارند و اهمیت جنبه‌های گوناگون فعالیت آنها بسادگی شناخته نمی‌شود. با این حال، در مدیریت، در کارهای دولتی و در بازارهای سرمایه، نیاز مبرمی به شناخت جنبه‌های گوناگون فعالیت‌های سازمانی وجود دارد.

به‌طور خلاصه، پرفسور لیتل تاون چنین جمع‌بندی می‌کند:

(۱) - در صورتی که به حسابداری از دیدگاه یکی از عناصر فعال اجتماع صنعتی امروز نگریسته شود، ماهیت و موقعیت آن به مراتب بیشتر شناخته خواهد شد.
(۲) - کاربرد گسترده‌تر حسابداری از توجیه و نتایج اجتماعی شناخته شده‌ای برخوردار است.

(۳) - حسابداری خدمتی است آگاهی‌دهنده که ویژگیهای مخصوص خود را دارد.

(۴) - در حسابداری این مسئولیت و تعهد معنوی وجود دارد که در ارائه ارقام و گزارشها، حتی الامکان از هرگونه تحریف و گمراه کردن پرهیز شود. اصول حسابداری و اهداف حسابرسی در این راستا شکل گرفته‌اند.

برای برخی از خوانندگان ممکن است، تمایز بین اصل افشا و اصل آگاهی‌بخشی چندان روشن نباشد. در اصل افشا، افشای کلیه رویدادهای غیرمترقبه مؤثر بر وضعیت واحد اقتصادی و یا توجیه‌های مترتب بر آنها، مورد نظر

است. لیکن منظور از اصل آگاهی‌بخشی آن است که ماهیت سیستم حسابداری و صورتهای مالی باید به گونه‌ای باشد که اطلاعات لازم و کافی مورد نیاز مراحل تصمیمگیری را تامین کند.

به‌طور کلی، به تعبیر پرفسور گری Gray از دانشگاه مینه‌سوتا، و پرفسور ریکتز Ricketts از دانشگاه سین‌سیناتی، «اطلاعات در صورتی مفید است که به طور بالقوه قابلیت ایجاد تغییر در تصمیمات را داشته باشد.» البته، شاید بتوان بر تعریف گری و ریکتز خرده گرفت و با افزودن عبارت «و یا ویژگی تایید تصمیمات قبلی را داشته باشد» آن را کاملتر کرد. به قول نویسندگان بالا «هرگاه، تصمیمی که در جریان اتخاذ است، بتواند دستخوش تغییر گردد، در این صورت حسابداری «مؤثر بر تصمیم» (Decision - Significant) می‌باشد.»

به‌طور خلاصه، همانطور که پرفسور ایمدیکه Imdicke و پرفسور اسمیت Smith از دانشگاه ایالتی آریزونا بدرستی بیان کرده‌اند، حسابداری چیزی نیست جز «یک ابزار ارتباط اجتماعی که دربرگیرنده جریانی از اطلاعات است.»

تصمیمگیری، فرایند انتخاب یکی از شقوق رفتاری، از میان چندین شق مختلف موجود است؛ و درک و تحلیل اوضاع مربوط به هر تصمیم با آگاهی بر ویژگیهای خاص آن امکانپذیر خواهد بود.

بحث کامل درباره فرایند و ثوریهای تصمیمگیری از محدوده این مطلب خارج است. لیکن در اینجا هدف شناساندن نقش اطلاعات حسابداری در تصمیمگیری است.

نویسنده این مطلب معتقد است که اگر یک سیستم حسابداری نتواند اطلاعات باارزشی ارائه کند، نتوانسته است به اهداف واقعی وظایف خود دست یابد. «اطلاعات باارزش، از دیدگاه حسابداری» به نظر پرفسور آرنولد Arnold و پرفسور هوپ Hope از دانشگاه منچستر «عبارت است از آنچه به تصمیمات گرفته شده توسط استفاده‌کنندگان از این اطلاعات مربوط باشد.» نامبردگان اضافه می‌کنند. «و این تصمیمات ممکن است با توجه به

در کلیه بنگاههای اقتصادی، نتایج حاصل از کار حسابداران در هر سال، حداقل یک بار باید کاملاً مورد بررسی قرار گیرد. دو نوع حسابرسی وجود دارد: حسابرسی داخلی و حسابرسی مستقل.

در اینجا منظور از اصل حسابرسی، گونه‌ای از حسابرسی است که توسط حسابرسان مستقل انجام می‌گیرد. به این حسابرسان ممکن است «حسابداران عمومی» نیز اطلاق شود.

امروزه صورتهای مالی بنگاهها، مورد پذیرش استفاده کنندگان مختلف اعم از دولت، سهامداران، بانکها، دادگاهها و سایر مراجع و اشخاص قرار نمی‌گیرد، مگر آن که قبلاً توسط حسابرسان مستقل رسیدگی شده باشد.

توجه روزافزون به خصوصیت آگاهی بخش بودن صورتهای مالی (که در بالا تحت عنوان اصل آگاهی بخشی مورد بحث قرار گرفت)، به اهمیت روزافزون حرفه حسابداری مستقل منجر شده است. در حال حاضر، اطلاعات حسابداری «عملاً مورد تقاضای کلیه بخشهای جامعه» است.

در این مورد میگز و میگز بدرستی اظهار می‌کند که «روند فزایندهٔ علاقه عمومی، بُعد تازه‌ای به حسابداری داده است تا آنجا که برخی از حسابداران عمومی شاغل در مؤسسات بزرگ حسابرسی را بر آن داشته است که ادعا کنند:

«صاحبکار حسابرس، جامعه است.»

دنباله

حسابداری اجاره دراز مدت

اجاره را عملیاتی تلقی کرده و سود و زیان ناشی از فروش دارایی اجاره شده را متناسب با هزینه اجاره در طی مدت قرارداد اجاره مورد شناسایی قرار دهد^{۳۳}. دلیل اینکه سود یا زیان ناشی از فروش دارایی اجاره شده توسط اجاره‌کننده (فروشنده) بلافاصله بعد از عملیات فروش مورد شناسایی قرار نمی‌گیرد به ماهیت قراردادهای فروش و اجاره مجدد باز می‌گردد که ذاتاً نوعی از شکلهای تامین مالی محسوب می‌شود^{۳۴}.

با توجه به شرایط حاکم بر قرارداد فروش و اجاره مجدد و ماهیت معامله، از نظر خریدار (اجاره‌دهنده) این نوع از اجاره در صورت تامین شرطهای لازم برای اجاره‌های سرمایه‌ای، به عنوان اجاره تامین مالی و در غیر این صورت به عنوان اجاره عملیاتی تلقی شود. ●

33. Mosick, P 1000.

34. Kieso & Wegyant, P. 1065.